

## توسعه سیاسی و جامعه متوازن

### (نگرشی بر بسترها و اهداف خصوصی سازی)

میثم قاسمی

کارشناس ارشد مدیریت دولتی پردیس قم دانشگاه تهران

سید محمد مهدی موسوی

دانشجوی دکتری مدیریت دولتی پردیس قم دانشگاه تهران

### چکیده

آزادی اقتصادی نشأت گرفته از نظریات آدام اسمیت، سال‌هاست که به رویکرد غالب و موفق در نظام‌های اقتصادی تبدیل شده است. هر چند فواید بسیار زیاد نظام بازار و کم‌رنگ شدن حضور دولت‌ها در اقتصاد بازارها اثبات گردیده، ولی برای کشوری چون ایران که در حال برنامه‌ریزی جدی در راستای خصوصی‌سازی است توجه به نقایص و کارکردهای منفی بازار و تجربه‌های سایر کشورها در این زمینه ضروری به نظر می‌رسد. سیاست‌های کلی اصل ۴۴ بهترین راهنما برای پرهیز از گرایش‌های افراط‌گرایانه نسبت به خصوصی‌سازی و تصمیم‌گیری خردمندانه دولتمردان است. بنابراین به‌جای صرفاً هدف قرار دادن خصوصی‌سازی، بهتر است به توانمندسازی بخش‌های غیر دولتی پرداخت و رسیدن به جامعه‌ای متوازن را هدف قرار داد. جامعه‌ای که در آن بخش‌های دولتی، خصوصی و مدنی هر کدام جایگاه خود را دارد. آزادی‌های سیاسی و اقتصادی رابطه بسیار نزدیکی با یکدیگر داشته و در واقع بدون توسعه سیاسی بسترهای لازم برای توسعه اقتصادی و خصوصی‌سازی فراهم نمی‌گردد. ارزیابی بنیاد هریتیج از آزادی اقتصاد ایران برای سال ۲۰۰۷، رایه نمره ۴۳/۱ و کسب رتبه ۱۵۰ در بین ۱۵۷ کشور جهان می‌باشد که لزوم تلاش برای ارتقای آزادی‌های اقتصادی در ایران را نشان می‌دهد. تکثر سیاسی، اعتماد مردم به دولت، مشارکت مردمی، توجه به حقوق سیاسی و مدنی مردم، امنیت و ثبات سیاسی و اقتصادی، اجتناب از فساد، نظام قضایی عادل، شفافیت و پاسخگویی، آزادی اطلاعات و مطبوعات، آزادی بیان، به رسمیت شناختن مالکیت خصوصی و حقوق شهروندی را می‌توان از مؤلفه‌های بسیار مهم در توسعه سیاسی دانست. از این رویکرد توسعه سیاسی به‌عنوان بستری برای خصوصی‌سازی موفق نگریده می‌شود.

### واژگان کلیدی

خصوصی‌سازی، بازار، جامعه متوازن، توسعه سیاسی، توانمندسازی.

- 1 . Market
- 2 . Balanced Society
- 3 . Political Development

## مقدمه

بحث پیرامون محدوده فعالیت دولت‌ها گاه تنها تا دفاع از مرزهای کشور و گاه تا مرز دخالت در جزئی‌ترین امور زندگی افراد پیش رفته است. میزان دخالت دولت در امور اقتصادی نیز همواره یکی از مناقشه‌انگیزترین مباحث در علم اقتصاد بوده است. مکاتب مختلف اقتصادی از نتایج چنین بحث‌هایی شکل گرفته‌اند. اواخر قرن هجدهم مرکانتیلیسم<sup>۲</sup> آخرین مرحله خود را می‌گذراند که در آن دولت‌ها در جزییات امور اقتصادی دخالت داشتند و بخش اقتصادی جامعه تحت تسلط و نظارت شدید بخش سیاسی و دولت بود. در واکنشی به آن، آدام اسمیت<sup>۳</sup> کتاب ثروت ملل<sup>۴</sup> را در ۱۷۷۶ نوشت که یکی از بزرگ‌ترین و پر نفوذترین نوشتارهای نظری است که در آن، دلایل بسیاری برای کاهش چشمگیر نقش دولت ارایه گردیده است (هیوز، ۱۳۷۷: ۱۱۸).

اصول عقاید اسمیت که او را سزاوار لقب «پدر اقتصاد جدید» می‌دانند، همچون فلسفه نیکولو ماکیاولی آنست که مهم‌ترین محرک هر فرد منافع شخصی است. از نظر اسمیت افزایش منافع شخصی در نهایت نفع جمعی را به‌دنبال دارد. او از دست غیبی بازار سخن گفته و بهترین دولت را دولتی می‌دانست که کمتر در امور اقتصادی دخالت کند. اصول تجارت آزاد را بیان کرده و معتقد بود «تنها از راه تجارت آزاد داخلی و خارجی است که هر ملت می‌تواند به درجه‌اعلای پیشرفت اقتصادی نایل آید». پذیرش ارزش نظریات اسمیت توسط سرمایه‌داران انگلیسی و به دور افکندن نظریات مرکانتیلیستی، در قرن نوزدهم انگلستان را به ثروتمندترین کشور جهان تبدیل کرد (داونز، ۱۳۸۲: ۵۵-۴۲).

هر چند اواخر قرن نوزدهم توجه به نظریات اسمیت بسیار کاهش می‌یابد ولی در دهه ۱۹۶۰ با شکست دولت رفاه<sup>۵</sup>، واکنش طرفداران اسمیت و ظهور نئو محافظه‌کاری سیاسی، و

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

- 1 . Empowerment
- 2 . Mercantilism
- 3 . Adam Smith
- 4 . Wealth of Nations
- 5 . Welfare State

از لحاظ اقتصادی لیبرال اولیه، روی آوری دوباره به نظریات او مشهود است. هر چند با وجود فراز و نشیب‌های فروان، می‌توان گفت نظریات نشأت گرفته از مکتب اسمیت سالهاست به اندیشه غالب و کارآمد برای اداره امور جامعه تبدیل شده است. تا جایی که امروزه آمارتیا سن<sup>۱</sup>، برنده جایزه نوبل اقتصاد در سال ۱۹۹۸، عقیده دارد احیای دوباره انتقاد به نفس بازار و طرفداری از اقتصاد ما قبل سرمایه‌داری، که بروشنی تمام توسط اسمیت، ریکاردو و مارکس رد شده بودند، یکی از طنزهای تاریخ ایده‌ها و اندیشه‌هاست (سن، ۱۳۸۱: ۱۳۶).

## خصوصی‌سازی

به‌طور کلی خصوصی‌سازی، حرکت از تولید کالاها و خدمات بطور مستقیم توسط دولت به سمت تولید آنها توسط بخش خصوصی است. خصوصی‌سازی، برای ارتقای خلاقیت، کارایی و پاسخگویی به تقاضاهای متغیر، عنصر رقابت را وارد می‌کند. نهضت خصوصی‌سازی آخرین فصل در تاریخ رشد مشارکت در تجارت می‌باشد (Schwartz, 2005: 8). منطق خصوصی‌سازی که تبلیغ زیادی حول آن شده این است که باعث کاهش هزینه‌ها می‌گردد (Ibid: 13). ولی در واقع خصوصی‌سازی در کشورهای مختلف با هدف‌های متفاوتی چون نیاز به کاهش کسری بودجه، جذب سرمایه‌گذار، ارتقای بهره‌وری شرکت‌ها انجام می‌شود. به‌هر حال خصوصی‌سازی یکی از اجزای اصلی خط‌مشی عمومی در دو دهه اخیر است که حکومت‌ها از آن به‌عنوان ابزاری برای اصلاحات ساختاری استفاده می‌کنند (Katsoulakos & Likoyanni, 2002: 3).

به‌طور کلی بنگاه‌های خصوصی با رفتار رقابتی بهتر از پس بسیاری از فعالیت‌هایی بر می‌آیند که دولت‌ها انرژی خود را صرف آنها می‌کنند (استیگلیتز، ۱۳۸۴: ۸۰). تا جایی که از دگرگون‌سازی حکومت از طریق خصوصی‌سازی و بازسازی تشکیلات اقتصادی از طریق خصوصی‌سازی صحبت به میان می‌آید (Thatcher, 2006: 7-9). که نشان دهنده عمق و اهمیت اثر آن بر نحوه اداره امور عمومی و حکومت بر مردم است.

---

1 . Amartya Kumar Sen 1933

دولت‌های تاجر و ریگان نمونه‌های تلاش برای کوچک‌سازی دولت بود. مارگارت تاچر می‌گوید: «کنترل حکومتی به‌طور اساسی بد است زیرا قدرت انتخاب مردم و فرصت مسئولیت‌پذیری برای اعمالشان را از آنها می‌گیرد. در مقابل خصوصی‌سازی قدرت دولت را کاهش می‌دهد و اقتصاد آزاد قدرت مردم را افزایش می‌دهد. ما فهمیدیم که یک سیستم اقتصاد آزاد در درونش یک حقیقت جهانشمول دارد: برای ایجاد یک بازار واقعی در یک دولت، شما باید دولت را از اقتصاد بیرون نگاه دارید» (Thatcher, 2006: 7-9).

تجربه‌ها نشان می‌دهد کاهش حضور دولت در امور اقتصادی نتایج مثبت زیادی را نیز به دنبال داشته است. برعکس دوران رفاه، امروزه تأمین و تولید کالا توسط خود دولت چندان مورد قبول نیست و دولتها سعی می‌کنند با مقرراتی انعطاف‌پذیر و تشویق‌کننده، نقش کنترلی خود را نیز ایفا نمایند. در واقع امروزه مقررات دولتی افزایش یافته است اما ماهیت آن از حالت محدود کننده که غالباً ضد رقابتی بود به حالت رقابتی برای تقویت کارایی بخش خصوصی تبدیل شده است (هیوز، ۱۳۷۷: ۱۳۴).

## نظری بر وضعیت ایران

بنیاد هریتیج یک مؤسسه غیردولتی آمریکاست که هر سال با استناد به روش‌های مختلف، کشورهای جهان را از لحاظ ۱۰ شاخص مختلف، رتبه‌بندی می‌کند. شاخص کل بنیاد هریتیج به نام شاخص آزادی اقتصادی<sup>۱</sup> در جهان مشهور است. ایران در سال ۲۰۰۶ از نظر بسته بودن فضای اقتصادی با کسب نمره کل ۴/۵۱ از ۵ نمره، در بین ۱۵۷ کشور جهان، رتبه ۱۵۶ را به خود اختصاص داده بود.<sup>۲</sup>

در سال ۲۰۰۷ این بنیاد نمرات ۰ تا ۱۰۰ را برای هر شاخص در نظر گرفته است. هر چقدر نمره شاخص به صفر نزدیک‌تر باشد، نشان‌دهنده بسته بودن و وجود محدودیت‌های بیشتر می‌باشد. نتیجه ارزیابی این بنیاد از آزادی اقتصاد ایران برای سال ۲۰۰۷، ارایه نمره ۴۳/۱ و کسب رتبه ۱۵۰ در بین ۱۵۷ کشور جهان می‌باشد.

1 . Economic Freedom Index

۳. ماهنامه اقتصادی و مالی بین‌المللی اقتصاد ایران، سال هشتم، شماره ۸۶، فروردین ۸۵، ص ۸۶.

در همین راستا، ایران در بین ۱۷ کشور منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا رتبه ۱۶ را در اختیار دارد که بیانگر آزادی اقتصادی بسیار پایین آن می‌باشد، به طوری که امتیاز کلی آزادی اقتصاد ایران از یک سوم متوسط امتیاز منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا هم پایین‌تر است. شاخص‌های ایران از لحاظ آزادی کسب و کار، آزادی تجارت، آزادی سرمایه‌گذاری، آزادی مالی، حقوق مالکیت و رهایی از فساد، همگی پایین هستند. در زیر نمره شاخص‌ها برای ایران به همراه برخی از مهم‌ترین دلایل اختصاص این نمرات آورده شده است<sup>۱</sup>:

شاخص‌های آزادی اقتصادی	نمره از ۱۰۰	مهم‌ترین دلایل
آزادی محیط کسب و کار	۵۴/۹	مشکلات زیاد بستن یک قرارداد جدید، کسب جواز برای یک فعالیت تجاری و پایان دادن به آن. وجود موانع متعدد، فضای نظارتی گسترده، بوروکراسی و کاغذ بازی زیاد.
آزادی تجاری	۵۰/۴	نرخ تعرفه‌های بالا و وجود موانع متعدد غیرتعرفه‌ای، قوانین و مقررات متعدد و دست و پاگیر، پروسه گمرکی پیچیده و ممنوعیت‌های وارداتی گسترده.
آزادی مالیاتی	۸۴/۴	نرخ مالیات بر درآمد بالا و نرخ مالیات شرکتی متعادل در ایران.
آزادی از اقتصاد دولتی	۵۹/۸	حضور بسیار پررنگ و محدود کننده دولت در عرصه اقتصادی.
آزادی پولی	۶۱/۳	نرخ تورم بالا، مداخله دولت در قیمت‌ها و قیمت‌گذاری دولتی.
آزادی سرمایه‌گذاری	۱۰	محدودیت‌های کمی و مصوبات محدودکننده برای بیشتر دستمزدها، انتقالات، عملیات اعتباری و قراردادهای مالی در ایران. محدودیت سرمایه‌گذاری خارجی در حوزه‌های بانکداری، مخابرات و حمل و نقل ایران، محدودیت‌های مختلف برای پروژه‌های سرمایه‌گذاری خارجی.
آزادی مالی	۱۰	کنترل دولت بر حجم عمده بخش مالی، در اختیار بودن ۹۸ درصد بازار بانکی کشور برای بانک‌های دولتی و قوانین و مقررات محدود کننده زیادی برای فعالیت بانک‌های خصوصی، اجازه ایران برای فعالیت بانک‌های خارجی تنها در مناطق آزاد تجاری ایران، در اختیار بودن بخش عمده بیمه ایران توسط پنج شرکت بیمه دولتی، نظارت ضعیف بر بخش مالی ایران.
آزادی مالکیت	۱۰	عدم وجود تضمینی برای حل و فصل عادلانه دعاوی مالی در دادگاه‌های

۱. ماهنامه اقتصادی و مالی بین‌المللی اقتصاد ایران، سال نهم، شماره ۹۸، فروردین ۸۶، ص ۶۷.

خصوصی	ایران.
آزادی از فساد	۲۹
آزادی در بازار کار	۶۱/۲

در این گزارش همچنین آمده است: «در سال ۲۰۰۵ دولت ایران ۳۱/۴ درصد از محصول ناخالص داخلی کشور را به مصرف رسانده است. در همین سال، دولت ۵۱/۵ درصد از کل درآمدهای خود را از محل فروش اموال و املاک دولتی و دریافت مالیات‌ها به دست آورده است. به همین دلیل، خصوصی‌سازی در اقتصاد ایران پیشرفت بسیار کُندی داشته است هر چند اخیراً دولت ایران به غیر از صنایع نظامی و امنیتی و شرکت ملی نفت ایران، مجوز فروش ۶۵ درصد سهام شرکت‌های دولتی را صادر کرده است ولی قانون اساسی ایران به خارجی‌ها اجازه نمی‌دهد امتیاز و سهام کامل پروژه‌های نفت و گاز این کشور را در اختیار داشته باشند».

نمره‌ها به‌وضوح حضور گسترده و محدود کننده دولت و شدت اهمیت برنامه‌ریزی برای رهایی از بند اقتصاد دولتی به‌عنوان یکی از اولویت‌های برنامه جامع خصوصی‌سازی در ایران را نشان می‌دهد. این شدت حضور، نگرانی از حرکت‌های واکنشی و افراط‌گرایی در کم کردن نقش دولت در عرصه اقتصادی را بوجود می‌آورد. به همین دلیل در ابتدا بر چشم‌انداز جامعه متوازن و حفظ تعادل در اجرای برنامه‌های خصوصی‌سازی و اهمیت بالای حرکت در چارچوب سیاست‌های اصل ۴۴ تأکید می‌گردد.

### جامعه متوازن، هدف خصوصی‌سازی

#### • خصوصی‌سازی، تنظیم‌گر نقش اقتصادی دولت در جامعه متوازن

امروزه فواید خصوصی‌سازی بر همگان امری واضح است و «مزایای ساز و کار بازار اکنون به قدری نافذ و فراگیر است که به نظر می‌رسد که هر اشاره‌ای به نقایص آن در حال و هوای کنونی غریبی از مد افتاده و قدیمی و برخلاف فرهنگ معاصر باشد» (سن، ۱۳۸۱: ۱۲۵). برای کشوری چون ایران که در حال برنامه‌ریزی جدی در راستای خصوصی‌سازی است، توجه

به این نقایص و کارکردهای منفی بازار و تجربه‌های سایر کشورها در این زمینه ضروری به‌نظر می‌رسد.

عملیات بازار گاهی نتایج ظالمانه و یا از نظر اجتماعی غیرقابل قبول چون فقر، بیکاری و سوء تغذیه به‌بار می‌آورد. کوچک‌سازی دولت در قرن نوزدهم در انگلستان، آنچنان‌که آدام اسمیت و پیروانش تبلیغ می‌کردند، اگرچه باعث ارتقای چشمگیر سطح زندگی مردم شد ولی آثار جانبی نامطلوبی مثل استثمار کودکان، کمبود مسکن و ضعف در بهداشت عمومی را نیز به‌همراه داشت. از طرف دیگر کوچک‌سازی دولت تا جایی‌که سبب انفکاک زیاد بین نظام اقتصادی و نظام سیاسی گردد، منجر به ناتوانی دولت از پاسخگویی به وضعیت اقتصادی جامعه می‌شود. نارسایی بازار در مسایلی چون تأمین کالاهای عمومی، عوارض بیرونی هم‌چون عدم توجه به مسایل آلودگی محیط زیست، انحصار طبیعی، اطلاعات ناقص و عدم رقابت ممکن است بوجود آید که آنها را شکست بازار یا کوتاهی بازار<sup>۱</sup> می‌نامند. همیشه در بخش خصوصی رقابت وجود ندارد و غالباً برای اطمینان حاصل شدن از رقابت مؤسسات با یکدیگر اقدام دولت لازم است. شرکتها ممکن است کارتل تشکیل دهند، دسترسی به محصولاتشان را محدود کرده و قیمتها را ثابت نگه دارند (هیوز، ۱۳۷۷: ۱۲۶-۱۲۳).

اگرچه انحصارهای واگذار شده به بخش خصوصی ممکن است کارآمدتر از دولتی‌ها عمل کنند، ولی یقیناً بخش‌های خصوصی از موقعیت انحصاری خود بیشتر بهره‌برداری می‌کنند و در نتیجه مصرف‌کننده است که باید فشارش را تحمل کند (استیگلیتز، ۱۳۸۴: ۸۳).

نباید مانند برخی طرفداران افراطی خصوصی‌سازی هرگونه دخالت دولت در فعالیت‌های اقتصادی را نفی کرد. حتی بازارگرایان افراطی نیز از برخی سرمایه‌گذاریهای دولت در بازار که حافظ منافع بازار باشد ناراضی نخواهند بود. در برخی موارد حتی لازم است که خود دولت سهامدار عمده سرمایه‌گذاری باشد و کنترل دقیقی بر سیاست‌های سرمایه‌گذاران اعمال نماید. برخی واحدها نیز همواره باید دولتی باقی بمانند. اتکای صرف به بخش خصوصی و مکانیزم بازار در حالت افراطی می‌تواند منجر به این گردد که در یک کشور غذای سگ سرمایه‌داران تولید شود اما شیر کودک فقرا عرضه نگردد! (وارث، ۱۳۸۰: ۵۴).

می‌بایست خارج از دو پارادایم افراطی که یکی مدافع آزادی کامل اقتصادی و حذف بخش دولتی، و دیگری مدافع دولتی شدن تا هر جای ممکن است، به این مسأله نگرینست و برای آن برنامه‌ریزی کرد.

هنری میتزبرگ در این خصوص با نگرشی فراسوی دولتی و خصوصی از توازن در جامعه سخن گفته و عدم توازن را علت شکست کمونیست می‌داند و هشدار می‌دهد که در خصوصی‌سازی این امر اتفاق نیافتد. وی وجود قدرت مقابله کننده در برابر دولت را مهم می‌شمارد و معتقد است در پارادایم مدیریت دولتی نوین در صورت اصرار کشورهای غربی برای برهم زدن توازن به نفع بخش خصوصی، همان سرنوشت کمونیسم در انتظار سرمایه‌داری نیز خواهد بود (Mintzberg, 1996: 77-81).

همچنین مطالعات نشان می‌دهد فقط با تغییر مالکیت از دولتی به خصوصی، در عملکرد شرکت‌ها پیشرفت حاصل نمی‌گردد بلکه تنها در هماهنگی با مقدمات نهادی دیگر، شامل بازار آزاد، کنترل بوروکراتیک مناسب در دوره‌های زمانی کوتاه مدت پس از خصوصی‌سازی و اطمینان از سلامت شرکت قبل از خصوصی شدن، افزایش کارایی قابل دستیابی است (Wu, 2007: 44).

در اقتصاد مختلط باید میان فعالیتهای بخش دولتی و خصوصی مرزبندی مشخصی وجود داشته باشد. هر چند در سالهای اخیر مرزبندی مذکور مشخصاً از بخش عمومی دور شده و به خصوصی نزدیک‌تر شده است ولی در واقع اقتصاد سرمایه‌داری مدرن نظام عمیقاً مختلطی است که در آن نیروهای بخش خصوصی و عمومی به شیوه‌ای یکپارچه در تعاملند و نظام اقتصادی نه خصوصی است و نه دولتی، بلکه آمیزه‌ای از هر دو است (هیوز، ۱۳۷۷: ۱۱۰-۱۰۵). الگو قرار دادن ایده توازن بین بخش‌های مختلف، راهنمای مناسب برای اجتناب از کارکردهای منفی خصوصی‌سازی است. نباید فراموش کرد که تجارت همیشه خوب و دولت همیشه بد نیست. در جامعه متوازن هر یک از این بخش‌ها در کنار بخش تعاونی و جامعه مدنی جایگاه خود را دارند. در درجه اول ما نیازمند توازن بین بخش‌های مختلف جامعه هستیم (وارث، ۱۳۸۰: ۶۹). دولت وظیفه زمینه‌سازی مناسب جهت استفاده از ظرفیت‌ها و استعدادهای جامعه و با ابزارهای کنترلی خود وظیفه حفظ منافع ملی کشور در کنار حفظ منافع سرمایه‌داران، که نقطه‌های حساس بخش خصوصی‌اند، را بر عهده دارد. حفظ رابطه متعادل و



متوازن حضور دولت و بخش خصوصی نیاز به تدوین استراتژی و سیاست‌های کلی مناسب، برنامه‌ریزی علمی و اجرای دقیق دارد.

در تجربه خصوصی‌سازی برخی کشورها مشکل آن است که بسیاری از سیاست‌های خصوصی‌سازی به‌خودی‌خود هدف محسوب می‌شدند در حالی که باید ابزاری برای رشد اقتصادی پایدارتر و عادلانه‌تر باشند بنابراین نتیجه کار به‌کلی متفاوت با آنچه بود که مورد نظر بود (استیگلیتز، ۱۳۸۴: ۸۰). رسیدن به توازن در جامعه با ابزار خصوصی‌سازی قابل دستیابی است.

با توجه به دیدگاه‌های موافقین و مخالفین و تجربه کشورهای دیگر، تدوین سیاست‌ها و استراتژی‌های جامع و برنامه‌ریزی دقیق در جهت ایفای نقش دولت به‌عنوان حمایت‌گر، تسهیل‌کننده و کنترل‌کننده بخش خصوصی امری ضروری است و جامعه متوازن چشم‌انداز مطلوب آینده است.

سیاست‌های کلی اصل ۴۴ بهترین راهنما برای پرهیز از گرایش‌های افراط‌گرایانه نسبت به خصوصی‌سازی و تصمیم‌گیری خردمندانه دولتمردان است. یکی از مهم‌ترین آن‌ها ممنوعیت دولت در شروع فعالیت اقتصادی خارج از صدر اصل ۴۴ است که در جهت حفظ توازن در خصوصی‌سازی باید مورد توجه همیشگی باشد.

#### • توانمندسازی بخش خصوصی

در معنای وسیع منظور از خصوصی‌سازی، محدود کردن نقش دولت و ارایه برخی روش‌ها یا خط‌مشی‌ها به منظور توانمندسازی اقتصاد بازار آزاد است (Aktan, 1987). با هدف دستیابی به جامعه متوازن، دولت وظیفه توانمندسازی<sup>۱</sup> بخش‌های خصوصی، تعاونی و مدنی را بر عهده دارد و انجام این عمل بزرگترین و سودمندترین وظیفه مدیریت دولتی است. تنها یک بخش خصوصی قوی می‌تواند وظایف سنگین دولت را با کارایی بالا انجام دهد. در ایران ناتوانی بخش خصوصی در ایجاد واحدهای صنعتی بزرگ، صنعتی شدن در رشته‌های صنایع سنگین را بر عهده دولت قرار داده است. در عین حال باید در نظر داشت بخاطر ناتوانی بخش خصوصی در کشورهای در حال توسعه حتی در مورد مسایلی چون تأمین

---

1 . Empowerment

اجتماعی، حذف یکباره بنگاه‌های دولتی ممکن است خلاء بزرگی ایجاد کند و حتی اگر بالاخره بخش خصوصی هم وارد بشود، در این فاصله مردم در مشقت زیادی خواهند بود (استیگلیتز، ۱۳۸۴: ۸۲). شناخت دلایل عدم تمایل بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری و تولید و روی آوردن آن به واسطه‌گری و دلالتی اولین قدم در توانمندسازی بخش خصوصی در ایران است. گردش آزاد اطلاعات و جلوگیری از رانت‌خواری نزدیکان ذی نفع دولت و عدم تبعیض در واگذاری‌ها، شفافیت، اصلاح نارسایی بعضی از قوانین مانند قانون مالیات و قانون کار، تغییرات مثبت در سیستم مالیاتی و سیستم بانکی می‌تواند قدم‌های مثبتی در این مسیر باشد. علاوه بر آن تلاش در جهت افزایش آگاهی مردم از قوانین و مقررات تجاری، زمینه‌سازی برای تمرین فعالیت‌های گروهی و تشکل یافته اقتصادی بخش خصوصی، تلاش در جهت تقویت و افزایش اقدامات کار آفرینانه مردم، حمایت دولت از سرمایه‌گذاری بخش خصوصی با ابزارهای تسهیل‌گر و حتی تشویقی به‌جای ایجاد موانع (برای مثال معافیت‌های مالیاتی، وام‌های کم بهره یا بدون بهره)، حق مشارکت بخش‌های غیر دولتی در برخی تصمیم‌گیریهایی کلان اقتصادی و تمرین بخش خصوصی در مباحث مهم اقتصاد کشوری از مواردی است که به‌نظر می‌رسد در راه توانمندسازی بخش خصوصی مؤثر باشد.

#### • توسعه سیاسی، بستر خصوصی‌سازی

توسعه مستلزم کنار زدن و محو منابع اصلی اسارت و عدم آزادی است. آزادی سیاسی و آزادی اقتصادی به‌جای آنکه دشمن هم باشند، به یکدیگر کمک می‌کنند (سن، ۱۳۸۱: ۱۳-۱۰). نظام اقتصادی هر جامعه در بستر تاریخی، سیاسی، حقوقی و فرهنگی آن جامعه تنفس می‌کند و در تعامل دائم با آنها قرار دارد. امروزه به‌روشنی نگرش جز به جز به فرایند توسعه رد شده است و بر ارتباط متقابل اجزای توسعه تأکید می‌گردد. بنابراین اتخاذ رهیافتی همه جانبه نسبت به توسعه ضروری است و این امر با ضرورت متعادل ساختن نقش دولت و سایر نهادهای سیاسی و اجتماعی با کارکرد بازار ارتباط نزدیکی دارد (همان: ۱۴۰).

خصوصی‌سازی موفق رابطه‌ای مستقیم با تکثرگرایی سیاسی دارد. در بستر تکثرگرایی سیاسی، اصل رقابت به‌معنای واقعی ظهور و بروز می‌یابد و تمرین می‌شود. از این‌رو تا هنگامی که درک نظام سیاسی از حوزه خصوصی افراد، ناقص و ناقض فردیت باشد، حتی

تصور خصوصی سازی موفق نیز تصویری باطل است. احترام به آزادی های فردی و اجتماعی، مالکیت خصوصی، مشارکت واقعی و به رسمیت شناخته شدن مفهوم شهروندی بسترهای مهم و اساسی خصوصی سازی هستند که بدون در نظر گرفتن آنها تنها کالبدی بی معنا و تقلیدی بی روح از خصوصی سازی خواهیم داشت.

زمینه های بسیار مهمی باید مهیا شود تا خصوصی سازی بتواند به رشد اقتصادی کمک کرده و نتایج مورد انتظار را به بار آورد. تغییرات در ساخت قدرت اقتصادی، به طور طبیعی تغییر در ساخت قدرت سیاسی را به دنبال دارد. علت بسیاری از مقاومت های دولت یا ذی نفعان آن در برابر خصوصی سازی واقعی همین امر می تواند باشد. تصور توسعه اقتصادی بدون توسعه سیاسی چندان درست به نظر نمی رسد. تغییرات در حوزه سیاسی و اقتصادی باید همزمان رخ دهد و در حقیقت نمی توان برای هر کدام اولویت خاصی بر دیگری قایل شد. ولی با اطمینان می توان گفت اهداف خصوصی سازی در صورت فقدان آزادی های سیاسی محقق نخواهد شد. از این رو در زیر به مواردی اشاره می گردد که بسترهای لازم برای خصوصی سازی موفق را فراهم می آورد:

### اعتماد، مشارکت و روابط دولت و ملت

تلاش در جهت کاهش هر چه بیشتر تضاد تاریخی دولت و ملت در ایران، اعتماد بیشتر به حکومت و مشارکت بیشتر مردم را در پی دارد. دولت باید از راه های مختلف در جهت جبران بی اعتمادی ریشه دار مردم به حاکمیت که نتیجه استبداد هزاران ساله است تلاش کرده و انگیزه کافی را در آنها بوجود آورد.

عملکرد دولت در حین اجرای طرح های خصوصی سازی می تواند تقویت کننده یا از بین برنده بی اعتمادی مردم به دولت باشد. گاه در عین اجرای طرح های خصوصی سازی گروه های قدرتمند و با نفوذ سیاسی که ممکن است منافع آنها به وسیله کارکرد بازار آسیب ببینند، می کوشند تا به بازارها جای مناسبی در اقتصاد داده نشود (سن، ۱۳۸۱: ۱۳۵). این گروه های با نفوذ در دولت در صورت موفقیت، پندار عدم صداقت دولت در گفتار و عمل، و بی اعتمادی سرمایه گذاران مستقل به دولت را تقویت می کنند.

به اعتقاد براونل وظایف مدیران دولتی در افزایش اعتماد عمومی رعایت مواردی از این

قبیل می‌باشد:

- پاسخگویی مدیران دولتی به مردم و پرهیز از سرزنش مردم؛
- پایبندی به تعهدات و وعده‌ها؛
- گفتن حقیقت به مردم؛
- نشان دادن صداقت به مردم و ارتباط با آنها؛
- شنیدن سخنان مردم؛
- ایجاد باور و اطمینان به سازمانهای دولتی در مردم؛
- در دسترس عموم مردم بودن؛
- احترام گذاشتن به مردم و رعایت انصاف و تعهد نسبت به آنان (Brownell, 2000: 2).

(3).

در مورد مشارکت، نوع برداشت حاکمیت از مشارکت مردم نقش بسیار مهمی دارد. باید به این نکته توجه داشت که مشارکت واقعی مردم به معنای افزایش قدرت مردم در برابر حاکمیت است. اگر حمایت‌های مردمی از حکومت فقط در قالب‌هایی چون استقبال از مقامات، انتخابات و راه‌پیمایی‌ها و... مشارکت نامیده شود نمی‌توان انتظار توانمندسازی بخش‌های غیردولتی را داشت. مشارکت مردمی واقعی، ایفای نقش مردم در غالب یک کنشگر قوی سیاسی و اقتصادی است که به معنای محدودتر شدن قدرت دولت است. پذیرش این واقعیت در عرصه عمل توسط دولت‌ها کاری مشکل به نظر می‌رسد و به همین دلیل است که در بسیاری موارد خصوصی‌سازی نتیجه‌ای جز انحصارگری نزدیکان دولت در پی نداشته است. در چنین حالتی دولت فقط در جهت منفعت نزدیکان ذینفع خود حرکت می‌کند و هنگام اجرایی شدن طرح‌های خصوصی‌سازی، تنها نزدیکان دولت به این امتیاز نایل می‌شوند.

با توجه به قدمت چند پارگی‌های فرهنگی و تنوع قومی در ایران، چگونگی انتخاب الگوی مدیریت تنوع<sup>۱</sup> اثر مهمی بر کاهش تضاد تاریخی دولت و ملت دارد. به کارگیری مدل تنوع فرهنگی و عدم نگرانی دولت از افزایش قدرت اقتصادی برخی گروه‌های قومی که تاکنون نقش چندان پررنگی در ساخت قدرت سیاسی نداشته‌اند، می‌تواند باعث افزایش

مشارکت اقوام و فرهنگ‌های گوناگون در عرصه سیاسی و اقتصادی و افزایش اعتماد آنان در همسویی با برنامه‌های دولت باشد. این کار به توانمندسازی اقوام و بهره بردن از ظرفیت‌های بالقوه آنها در جهت منافع ملی می‌انجامد.

## دولت خدمت‌گزار و حقوق سیاسی و مدنی مردم

نظریه دولت خدمت‌گزار<sup>۱</sup> و بالا رفتن انتظارات مردم از دولت براساس دیدگاهی است که خواستار دخالت فعالانه دولت در تنظیم روابط اجتماعی و رفع تبعیض است. براساس این دیدگاه حمایت مداوم و مؤثر و انجام یک سلسله تعهدات و خدمات مثبت از جانب دولت، حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی مردم را تشکیل می‌دهد. در مقابل حقوق مدنی و سیاسی مستلزم رعایت بی‌طرفی از طرف دولت، منع دولت از دخالت و دست‌اندازی در قلمرو فردی، آزاد گذاشتن فرد در فعالیت‌های زندگی، دادن حق انتقاد و مخالفت بدون سانسور، و حق آزادی بیان است. توجه به همبستگی بین حقوق مدنی و سیاسی، و حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی نکته‌ای است که بسیار مورد تأکید قرار گرفته است (طباطبایی موتمنی، ۱۳۷۵: ۳۱-۳۰). در صورت تمرکز صرف بر حقوق اقتصادی و اجتماعی، وجود دیدگاه قیّم مآبانه دولت نسبت به مردم و عدم رعایت حقوق مدنی و سیاسی آنها و یا انتظار یک‌طرفه مردم از دولت که هر دو برداشت‌های ناقصی از نظریه دولت خدمت‌گزار است، بستر مناسبی برای حضور مؤثر و مشارکت مردمی و در نتیجه توانمندسازی در جهت خصوصی‌سازی مهیا نمی‌گردد.

با استناد به عملکرد برخی نظام‌های سیاسی خشن، گاه ادعا می‌شود انکار آزادی‌های سیاسی و حقوق مدنی به رشد اقتصادی کمک کرده و برای توسعه اقتصادی سریع «خوب» است. این تز اغلب تز «لی»، منسوب به نخست‌وزیر سابق سنگاپور «لی کوان یو»<sup>۲</sup>، نامیده می‌شود. مقایسه جامع بین کشورها این تز را اثبات نکرده است و شواهد اندکی وجود دارد که سیاست اقتدارگرایانه واقعاً به رشد اقتصادی کمک کرده باشد. به علاوه شواهد تجربی به‌طور قوی نشان می‌دهد رشد اقتصادی به فضای اقتصادی دوستانه‌تر تا یک نظام سیاسی خشن نیاز

1 . Welfare State

2 . Lee Kuan Yew

دارد (سن، ۱۳۸۱: ۲۶). زیرا ارتباط متقابل و گسترده‌ای میان آزادی‌های سیاسی و درک و تأمین نیازهای اقتصادی وجود دارد (همان: ۱۶۳).



## امنیت و ثبات سیاسی و اقتصادی

در مباحث خصوصی سازی به اهمیت امنیت تأکید زیادی می شود. امنیت اقتصادی یکی از ابعاد توسعه اقتصادی است و با حقوق و آزادی های دموکراتیک مرتبط است. آزادی های سیاسی به افزایش و ارتقای امنیت اقتصادی کمک می کنند (سن، ۱۳۸۱: ۲۶-۲۱).

خصوصی سازی موفق منوط به سرمایه گذاری مناسب بخش های غیردولتی است. بخش غیردولتی که با محدودیت منابع نیز مواجه است، برای سرمایه گذاری به فضایی با ثبات و قابل اطمینان برای کاهش ریسک های پیش بینی نشده در عرصه فعالیت های اقتصادی نیاز دارد. تغییرات مداوم سیاسی و اقتصادی این قابلیت پیش بینی را از بین می برد. ثبات قوانین و در عین حال منعطف و تسهیل گر بودنشان کاهش ریسک برای سرمایه گذاری را به دنبال دارد.

## اجتناب از فساد

وجود فساد مساوی کاهش اعتماد عمومی به دولت و کاهش سرمایه گذاری است، که در نهایت فرایند خصوصی سازی را به شکست می کشاند (الوانی و دانایی فرد، ۱۳۸۰: ۱۱). وجود قوانین روشن و شفاف و جلوگیری از تعدد قوانین، که تجربه نشان می دهد عاملی فساد زاست، از پیش شرط های جلوگیری از فساد است. به عقیده دکتر میشائیل اچ و یهن (۲۰۰۴) در حالی که خصوصی سازی به عنوان ابزاری برای مقابله با فساد طولانی و مدید دولتی دیده شده، خود فرایند خصوصی سازی در بسیاری از موارد درگیر فساد فراگیر شده است و علی رغم همه تلاش ها برای بازداشتن از فساد، فرایند خصوصی سازی در هر کشوری در برابر فساد آسیب پذیر می باشد.

آسیب پذیری فرایند خصوصی سازی در برابر فساد به طور عمده با عوامل زیر در ارتباط

است:

۱. روش خصوصی سازی؛
۲. محیط کلان و عمومی حکومت؛
۳. کیفیت و تناسب قوانین و مقررات نظام های سیاسی، اقتصادی و حقوقی؛

۴. وجود استراتژی‌ها و خط‌مشی‌های روشن و واضح خصوصی‌سازی؛
۵. وجود ساختارها و نهادهای اداری و قضایی مؤثر و مشروع؛
۶. سیستم کنترل پارلمانی و حسابرسی خارجی و داخلی اثربخش (Wiehen, 2004: 9).

## نظام قضایی عادل

یک دستگاه قضایی مستقل و عادل، اعتماد مردم به حکومت و رویه‌های قضایی، کاهش ریسک، کاهش سیاست‌زدگی و افزایش انگیزه سرمایه‌گذاران را به دنبال دارد. برای حرکت بسوی نظام قضایی عادل مبارزه با فساد در دستگاه قضایی، رعایت جدی اصل تفکیک قوا و سعی در به‌روز کردن سیستم قضایی ضروری به نظر می‌رسد.

در گزارش سال ۲۰۰۷ بنیاد هریتیج<sup>۱</sup> آمده است: «متوسل شدن به دادگاه‌های ایرانی اغلب نتیجه معکوسی به بار آورده و به ندرت منجر به حل سریع اختلافات و دعاوی می‌شود. به همین دلیل، اکثر شرکت‌های خارجی از حل و فصل دعاوی خود در دادگاه‌های ایران رضایت نداشته و تجربه بدی در این زمینه دارند. حتی داشتن قراردادهای مکتوب هم برای پیمانکاران خارجی موفقیت و آرامش به همراه نخواهد داشت. در مقابل، یافتن یک شریک تجاری محلی بانفوذ که از حمایت سیاسی خوبی برخوردار باشد، مؤثرترین راه حمایت از قرارداد و شرکت خارجی به حساب می‌آید»<sup>۲</sup>.

## شفافیت و پاسخگویی

در گزارش سازمان بین‌المللی شفافیت در سال ۲۰۰۵، ایران رتبه ۸۸ را از لحاظ میزان شفافیت و فساد در بین ۱۵۸ کشور، کسب کرده است که نشان از گسترده و شایع بودن فساد در اقتصاد ایران دارد<sup>۳</sup>. عامل مهم در پیشگیری از فساد در خصوصی‌سازی درجه شفافیت فرایندهای حکومتی است. هرچه فرایندهای تصمیم‌گیری، اجرای خط‌مشی‌ها و ارزیابی اداری شفاف‌تر و صریح‌تر و بازتر، باشند امکان فساد کمتر شده و دست بردن در آنها در جهت منافع

1 . Heritage Foundation

۱. ماهنامه اقتصادی و مالی بین‌المللی اقتصاد ایران، ۱۳۸۶، ش ۹۸: ۶۸.

۲. همان.



شخصی مشکل‌تر می‌شود. شفافیت واقعی در معنای وسیع کلمه شامل دستیابی گسترده و عمومی (سازمان‌های جامعه مدنی) به تمام مطالعات، تصمیم‌گیری‌ها، اسناد حکومتی و ... است که عموماً به آزادی جریان اطلاعات و آزادی اطلاعاتی تعبیر می‌شود (Wiehen, 2004: 9).

شرکت‌ها و مؤسساتی که سالها در اختیار دولت بوده‌اند و به سبک دولتی مدیریت می‌شدند اکنون در اختیار بخش خصوصی قرار داده می‌شوند. در صورتی که عدم پاسخگویی، عدم شفافیت و بهره بردن از رانت‌های دولتی در آنها نهادینه شده باشد نمی‌توان انتظار داشت با خصوصی شدن به سرعت تغییری در رفتارشان رخ دهد بلکه تنها عدم شفافیت دولتی به عدم شفافیت خصوصی تبدیل شده است. مطالعات نشان می‌دهد فقط با تغییر مالکیت از دولتی به خصوصی، در عملکرد شرکت‌ها پیشرفت حاصل نمی‌گردد بلکه تنها در هماهنگی با مقدمات نهاد یافته دیگر، شامل بازار آزاد، کنترل بوروکراتیک مناسب در دوره‌های زمانی کوتاه مدت پس از خصوصی‌سازی و اطمینان از سلامت شرکت قبل از خصوصی شدن، قابل دستیابی است (Wu, 2007: 44).

در مجموع تغییر مالکیت، تنها با تغییر توامان الگوهای مدیریتی به سمت الگوهای شفاف، پاسخگو و اثربخش می‌تواند نتایج مورد انتظار را در پی داشته باشد.

از طرف دیگر تأثیر زیاد رسانه‌های گروهی در دنیای امروز پاسخگویی را به ضرورتی برای بقای سیاسی و اقتصادی حکومت‌ها تبدیل کرده است. مهم‌ترین تأثیر افزایش رسانه‌های گروهی در دوره جدید ایجاد توقع روزافزون از حکومت‌ها در بین مردم است که اگر این توقعات از سوی نهادهای سیاسی و اجتماعی برآورده و پشتیبانی نشوند به انحطاط و رکود سیاسی می‌انجامد (Huntington, 1968).

## آزادی اطلاعات و مطبوعات

هر شهروند حق دارد با استفاده از مطبوعات یا تکنیک‌های جدید نشر عقاید و افکار به مؤثرترین اخبار و اطلاعات داخلی و خارجی و تحولات جهان دسترسی داشته باشد و مقامات عمومی حق ندارند با ندادن اجازه چاپ و نشر، سانسور مطبوعات و فیلم یا انداختن پارازیت بر روی امواج رادیو و تلویزیون و یا ممانعت از عبور و مرور خبرنگاران و مخابره بین‌المللی اخبار و امثال آن مانع جریان صحیح اخبار و اطلاعات شوند (طباطبایی موتمنی، ۱۳۷۵: ۱۰۳).

آزادی مطبوعات بخشی از آزادی اطلاعات و یکی از حقوق بنیادی است. امروزه آزادی مطبوعات ارتباط بسیار نزدیکی با آزادی‌های اقتصادی پیدا کرده است (همان: ۱۰۷ - ۱۰۵). امروزه دستیابی به اطلاعات و اخبار صحیح یکی از منابع مهم قدرت محسوب می‌گردد و یکی از رانت‌های مهم نزدیکان دولت‌ها رانت‌های اطلاعاتی است که به‌طور مستقیم باعث فرصت‌طلبی و افزایش قدرت اقتصادی آنان می‌گردد. بنابراین ایجاد فرصت برابر در جهت خصوصی‌سازی بدون گردش آزاد اطلاعات و پرهیز از سانسور امکانپذیر نیست. نکته‌ای که باید به‌خاطر سپرد آن است که یک همبستگی مستقیم میان سیاست‌ها و خط‌مشی‌های جریان آزاد اطلاعات و کاهش فساد در همه کشورها وجود دارد. که بوسیله شاخص فساد و شفافیت بین‌المللی نشان داده می‌شود. یک سیاست اطلاعات و ارتباط عمومی منتظر برای درخواست نمی‌ماند، بلکه به‌طور داوطلبانه همه اطلاعات مهم را منتشر و افشا کرده و مشارکت عمومی را تشویق و ترغیب می‌کند، نقطه‌ای ایده‌آل است (Wiehen, 2004: 9).

## آزادی بیان

به‌طور کلی ارتباطات متقابلی میان فرصت‌های اقتصادی، آزادی سیاسی، تسهیلات اجتماعی، تضمین شفافیت و امنیت وجود دارد. انواع مختلف این آزادی‌ها یکدیگر را تقویت کرده و نقش تکمیل‌کنندگی دارند (سن، ۱۳۸۱: ۱۴۱). بخش خصوصی کارآمد نیازمند برخورداری از حق بیان اعتراض به سیاست‌ها و تصمیمات نهادهای دولتی است. روند بیان آزادانه انتقاد بین بخش خصوصی و دولتی، بستری را مهیا می‌کند که این دو بخش به حذف خطای یکدیگر پرداخته و باعث ارتقای کارایی خود گردند. در واقع بدون وجود آزادی بیان، تضمینی برای گردش آزاد اطلاعات و جلوگیری از رانت‌های اطلاعاتی نزدیکان ذی‌نفع دولت، جلوگیری از فساد، و برخورداری از دادرسی عادلانه در دستگاه قضایی وجود ندارد. توسعه فرهنگ و برخورداری از آزادی بیان، جامعه باز و مشروعیت بالای نظام سیاسی و تقویت سرمایه‌های اجتماعی در بروز استعدادها و بخش خصوصی تأثیر زیادی دارند. بنابراین تأمین آزادی‌های مردم سالارانه توسط دولت از شرایط بسیار مهم خصوصی‌سازی موفق است.

## مالکیت خصوصی و حقوق شهروندی

خصوصی‌سازی در گام اول نیازمند پذیرش و تضمین مالکیت خصوصی است. هرچند ممکن است ملی کردن با انگیزه‌های سیاسی مثل حفظ امنیت کشور و دفاع ملی یا انگیزه‌های اقتصادی و مالی مثل کسب درآمد برای دولت، افزایش تولید، مدیریت منطقی، اصلاحات اجتماعی و ... صورت گیرد اما انگیزه اصلی ملی کردن، عدم اعتماد دولت نسبت به مالکیت و سرمایه‌داری خصوصی است (طباطبایی مومنی، ۱۳۷۵: ۱۵۰). با توجه به بالا گرفتن موج ملی کردن پس از انقلاب در ایران و سابقه بی‌اعتمادی دولت و مردم نسبت به هم، حرکت جدی دولت در جهت اعتماد سازی دوطرفه با به رسمیت شناختن مالکیت خصوصی و حقوق شهروندی مؤلفه‌ای مهم به‌نظر می‌رسد. وجود مطبوعات و رسانه‌های آزاد، نهادهای دموکراتیک و سازمان‌های غیر دولتی (NGOs)، و به‌طور کلی جامعه مدنی فعال، تضمین‌کننده حقوق شهروندی و اعتماد است.

در تاریخ طولانی حکومت‌های خود کامه در ایران برخلاف حکومت‌های مطلقه اروپایی، «هیچ‌گونه قانون یا سنت بنیادین غیر قابل نقضی که جان، مال و کار افراد را به‌شکل معقولی امن و پیش‌بینی‌پذیر سازد وجود نداشت و دولت به میل خود اموال هر کس را چپاول می‌کرد» و مجازات‌هایی روا می‌داشت. طبیعی است در چنین فضایی که «قانون چیزی جز تصمیم خود سرانه قانونگذار نبوده است» حقوق سیاسی و مدنی و اقتصادی و اجتماعی مردم تعریف نشده و مالکیت خصوصی زمین و سرمایه نامفهوم می‌باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۱۱۶-۱۱۴). عدم وجود سابقه تاریخی به رسمیت شناختن مالکیت خصوصی و حقوق شهروندی در ایران، میزان پیچیدگی و دشواری درک صحیح و نهادینه‌سازی آنها در حکومت‌کنندگان و عامه مردم ایران را روشن می‌سازد و از سوی دیگر نقش و وظیفه دولت را در این راستا مضاعف می‌گرداند. مدیریت دولتی باید به اصل و ریشه خود که همانا تضمین تحقق شیوه‌های مردم‌سالارانه است بازگردد و از تصدی‌گری‌های بی‌حاصل که فعالیت‌های واقعی آن نیست دست کشیده و به مساعی اصلی خود که سازگار ساختن اصول مردم‌سالاری با شرایط کنونی جامعه است دست یابد (الوانی و دانایی فرد، ۱۳۸۰: ۳۰۰).

## نتیجه‌گیری

در برنامه‌ریزی برای خصوصی‌سازی موفق در درجه اول باید از تندروری‌ها و گرایش‌های افراطی که در تخاصم با دولت می‌باشند پرهیز نمود و به خصوصی‌سازی صرفاً به‌عنوان یک هدف نگریسته نشود. زیرا خصوصی‌سازی ابزاری برای رسیدن به توازن در جامعه است. بنابراین مهم‌ترین وظیفه دولت، توانمندسازی بخش‌های غیردولتی در جهت ایجاد جامعه متوازن است. با اطمینان می‌توان گفت اهداف خصوصی‌سازی در صورت فقدان آزادی‌های سیاسی محقق نخواهد شد زیرا آزادی سیاسی و آزادی اقتصادی به هم مرتبط بوده و تغییرات در حوزه سیاسی و اقتصادی باید همزمان رخ دهد. تکرر سیاسی، اعتمادسازی توسط دولت، تقویت مشارکت مردمی، توجه جدی به حقوق سیاسی و مدنی مردم، امنیت و ثبات سیاسی و اقتصادی، اجتناب از فساد، نظام قضایی عادل، شفافیت و پاسخگویی، آزادی اطلاعات و مطبوعات، آزادی بیان، به رسمیت شناختن مالکیت خصوصی و حقوق شهروندی مؤلفه‌های مهم ایجاد بستر مناسب برای خصوصی‌سازی هستند. بنابراین برای حرکت در راستای خصوصی‌سازی و اجرایی شدن سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، توجه به شاخص‌های آزادی اقتصادی در ایران و تلاش جدی دولت برای تقویت آزادی‌های سیاسی و شیوه‌های تحقق مردم‌سالاری ضروری به‌نظر می‌رسد.

## منابع و مآخذ

۱. استیگلیتز، جوزف، ۱۳۸۴، «جهانی سازی و مسایل آن»، مترجم: حسن گلریز، تهران: نشر نی.
۲. الوانی، سیدمهدی / دانایی فرد، حسن، ۱۳۸۰، «مدیریت دولتی و اعتماد عمومی»، فصلنامه مدیریت دولتی، ویژه نامه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، سال چهاردهم، شماره ۵۵، زمستان ۱۳۸۰، صص ۲۲-۵.
۳. الوانی، سید مهدی / دانایی فرد، حسن، ۱۳۸۰، «گفتارهایی در فلسفه تئوری‌های سازمان دولتی»، تهران: صفار: اشراقی.
۴. داووز، رابرت بینگهام، ۱۳۸۲، «کتاب‌هایی که دنیا را تغییر دادند»، مترجم: احمد آرام و دیگران، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۵. سن، آمارتیاکومار، ۱۳۸۱، «توسعه به مثابه آزادی»، مترجم: احمد موثقی، تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۶. طباطبایی موتمنی، منوچهر، ۱۳۷۵، «آزادی‌های عمومی و حقوق بشر»، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۷. کاتوزیان، محمدعلی، ۱۳۸۴، «تضاد دولت و ملت»: نظریه تاریخ و سیاست در ایران، مترجم: علیرضا طیب، تهران: نشر نی.
۸. ماهنامه اقتصادی و مالی بین المللی اقتصاد ایران، سال نهم، شماره ۹۸، فروردین ۱۳۸۶.
۹. ماهنامه اقتصادی و مالی بین المللی اقتصاد ایران، سال هشتم، شماره ۸۶، فروردین ۱۳۸۵.
۱۰. وارث، سیدحامد، ۱۳۸۰، «نگرش فراپارادایمی به مدیریت دولتی»، دانش مدیریت (ویژه نامه مدیریت دولتی)، شماره ۵۵، زمستان ۱۳۸۰.
۱۱. هیوز، آن، ۱۳۷۷، «مدیریت دولتی نوین، نگرشی راهبردی»، مترجم: دکتر سید مهدی الوانی و دیگران، تهران: انتشارات مروارید.
12. Aktan, Coskun Can.; (1987) "An introduction to the theory of privatization", Public Economic Enterprises and Denationalization (Turkish), Izmir: Bilkom Matbaasi, (1987).

13. Aktan, Coskun Can.; (1987) "The rationale for privatization", Public Economic Enterprises and Denationalization (Turkish), Izmir: Bilkom Matbaasi, (1987).
14. Brownell, E. O. (2000); "How to create organizational trust", Manage; vol. 52, Issue 2.
15. Huntington , Samuel (1968), Political order in changing societies, New Haven: Yale university press.
16. Katsoulakos Yannis and Likoyanni Elissavet, (2002), "Fiscal and Other Macroeconomic Effects of Privatization", This paper was prepared for the CEU Project "Privatization and Financial Market Development", and presented in the Athens Meeting on June 14, 2002, DECEMBER 2002.
17. Mintzberg , Henry (1996) , " Managing Government, Governing Management " , Harvard business Review, Vol. 43, No. 3.
18. Schwartz, Maurice H., (2005), "Privatization: An Overview", The George Wright Forum Volume 22, Number 2, pp: 6-11.
19. Thatcher, Margaret, (2006), "Rebuilding an Enterprise Society through Privatization", Transforming Government Through Privatization, Annual Privatization Report 2006, pp: 7-9.
20. Wiehen, Michael H. , (2004), "Avoiding Corruption in Privatization: A Practical Guide", Publisher: Deutsche Gesellschaft für Technische Zusammenarbeit (GTZ) GmbH Postfach 5180, 65726 Eschborn, Internet: <http://www.gtz.de>, Eschborn (2004).
21. Wu, Hsueh-Liang (2007), "Exploring the sources of privatization-induced performance changes", Journal of Organizational Change Management, Vol.20, No.1, 2007, pp: 44-59.